

نیم سده غلام

آوای

عشق

مجموعه شعری از: غلامعباس اکبری



۱۳۸۷

سرشناسه	: اکبری، غلامعباس، ۱۳۴۱-
عنوان و نام پدیدآور	: آوای عشق / مجموعه شعری از غلامعباس اکبری.
مشخصات نشر	: تهران: سفیر اردهال، ۱۳۸۶.
مشخصات ظاهری	: ۳۴۴ص: ۱۴/۵ + ۲۱/۵ س.م. - یک لوح فشرده.
شابک	: ۳۵۰۰۰ ریال: ۲-۲-۹۰۰۶۹-۹۷۸-۶۰۰
موضوع	: شعر فارسی - قرن ۱۴.
رده بندی کنگره	: PIR ۷۹۵۳ / ک ۳۶۳ T۸ ۱۳۸۶:
رده بندی دیویی	: ۸۵۱/۶۲:
شماره کتابشناسی ملی	: ۱۱۲۲۰۳۴:

آوای عشق

کتابشناسی سفیر اردهال

نویسنده: غلامعباس اکبری
 ناشر: سفیر اردهال
 نوبت و سال چاپ: اول - بهار ۱۳۸۷
 تیراژ: ۱۱۰۰ جلد
 شماره نشر: ۲۵ ♦ قیمت: ۳۵۰۰ تومان
 چاپ: سی جزء ♦ صحافی: سی جزء
 ناظر فنی چاپ: آقای قاسمیان
 شابک: ۲-۲-۹۰۰۶۹-۹۷۸-۶۰۰
 © حق چاپ، ۱۳۸۷، سفیر اردهال

فهرست مطالب

صفحه	عنوان	صفحه	عنوان
۲۷	گفتاچوزهر تلخی	۱	مقدمه مؤلف
۲۸	زشت باوفا	۳	بنام خدا
۳۰	خال هندو	۴	شروع هر کتاب
۳۱	بشنو ولی باور مکن	۵	ساقی نامه
۳۲	دستم به دامانت رسد	۹	بخش اول غزلیات
۳۲	باز آ به برآم امشب	۱۰	شمع و گل و پروانه
۳۴	کوی می فروشان	۱۱	بهاریه
۳۵	چه کنم ؟	۱۳	بادنوروزی
۳۶	اسرار کاروان	۱۴	عیدنوروز
۳۷	زلف کج یارخوش است	۱۵	عیدانه
۳۸	نقطه پرگار	۱۶	بهار دلنشین آمد
۳۹	جانم به لب است	۱۷	آمد بهار ای عاشقان
۴۰	برس بفریادم	۱۸	مژده بهار
۴۰	فانوس دریا	۱۹	سیزده بدر
۴۱	ترک دنیا کرده ای	۲۰	خداجویان
۴۲	ای سیه مو	۲۲	خزانه غیب
۴۳	حافظا	۲۳	ناله ای آمده دارم
۴۴	مدح حافظ	۲۴	شهر غرور
۴۵	ای کاش نمی گفتم	۲۵	آشیانه بغض
		۲۶	گفتم - گفتا

فهرست مطالب

صفحه	عنوان	صفحه	عنوان
۶۴	تفسیر آفتاب	۴۶	دلبر آید
۶۵	باز آمد	۴۷	نزدیک به مایی
۶۶	باغبان سنگدل	۴۸	همه چیز روبه راه است
۶۷	خاکی به سر کنم	۴۹	شوق پرواز
۶۸	زرتاب	۵۰	مویه مو
۶۹	شب نشینی	۵۱	دیوانه ام
۷۰	کیش و مات	۵۲	یاردیرینم
۷۲	خلوتی دارم	۵۳	آشنای تو
۷۳	خون فرهاد	۵۴	دیوانه مشو
۷۴	سلام بر عشق	۵۴	گل و بلبل
۷۵	شب میلاد	۵۵	می گرید
۷۶	مزار من	۵۶	دست من و دامن تو
۷۷	ناچارم	۵۷	قسم بر عشق
۷۸	همیشه جاویدی	۵۸	شوق سحر ندارد
۷۹	قیامتی دارم	۵۹	گناه بی گناهی
۸۰	غار ت	۶۰	ماه سفر کرده
۸۲	راز پنهان	۶۱	ناکامی
۸۳	کوچه خلوت	۶۲	درس جدایی
۸۴	تقصیر ندارم	۶۳	تاراج

فهرست مطالب

صفحه	عنوان	صفحه	عنوان
۱۰۶	دل بدست آر	۸۵	دلبران
۱۰۸	غزل سیاه	۸۶	خفتگان را شام نیست
۱۰۹	بخش دوم اشعار اخلاقی	۸۷	بی غم نیست
۱۱۰	ای خدا	۸۹	خلوت دیوانگی
۱۱۰	پندهای پیامبر اسلام (ص)	۹۰	خوش باش
۱۱۴	چهار قسم مردم	۹۱	یلدا
۱۱۴	خدا و خرما	۹۲	خم ابرو
۱۱۵	قصد آزارش مکن	۹۳	بیگانه دلسوز
۱۱۷	توبه شکن	۹۴	چه می کنی
۱۱۸	در جهان بی درد نیست	۹۵	پیمانه می زنم
۱۱۹	تنها نبریدم	۹۶	آرام ندارم
۱۲۱	گل بدون خار نیست	۹۷	خانه بردوش
۱۲۲	مشکل است	۹۷	بی پیر در ظلمت مرو
۱۲۳	دنیای فانی	۹۸	خال محبوب
۱۲۴	فقر	۹۹	سلطان من
۱۲۵	تازه بدوران رسیده	۱۰۰	القبای تو
۱۲۷	رمی جمرات	۱۰۲	سربار منی
۱۲۸	بیدارشو	۱۰۳	خواب ساقی
۱۲۹	مفت خور	۱۰۴	حدیث گریه مگو
		۱۰۵	نوروز ندارد

فهرست مطالب

صفحه	عنوان	صفحه	عنوان
۱۶۱	گوشت تلخ	۱۳۰	بگذار تا فردا شود
۱۶۲	شتر و گرگ و روباه	۱۳۱	روزگار نامرد
۱۶۳	امیر اسیر	۱۳۲	اخلاق نیکو
۱۶۵	قربانی زاهد	۱۳۳	زندگی چیست
۱۶۶	شعر دزد - شاعر دزد	۱۳۶	پشیمانی
۱۶۷	شیخ شبلی	۱۳۸	دوستان ظاهری
۱۶۹	شاعر و امیر دزدان	۱۳۹	کمتر بگو
۱۷۰	تاک و سرو	۱۴۰	گدای دور خرمن
۱۷۱	غاز کد خدا	۱۴۳	جوانی گذشت
۱۷۳	عوعوی سگ	۱۴۴	پرده نشین
۱۷۵	سزای ناشکری	۱۴۵	جلوه زیبایی
۱۷۷	بخش سوم اشعار اجتماعی	۱۴۹	ای بشر
۱۷۸	الهی	۱۵۱	همسایه بهلول
۱۷۹	زیباترین فرهنگ ، مادر	۱۵۲	پندهای بهلول
۱۸۱	خواهر	۱۵۳	بهلول و هارون
۱۸۲	معلم	۱۵۵	دزد راه
۱۸۴	سپیده خونبار	۱۵۷	سلطان جنگل
۱۸۵	شیرمرد	۱۵۹	برف و ذغال
۱۸۶	پیک خدا	۱۶۰	مور و زنبور

فهرست مطالب

صفحه	عنوان	صفحه	عنوان
۲۱۹	وطن	۱۸۹	تبریک عید به حضرت عارف
۲۲۵	بینوایان	۱۹۰	به یاد شادروان قدسی
۲۳۰	فریبا	۱۹۱	یادی از حاج رسول حسنی
۲۳۱	تریاکگی	۱۹۲	شعری از حاج رسول حسنی
۲۳۲	مرده پرست	۱۹۳	کشور عشق
۲۳۳	عروس وحشت	۱۹۴	غم دیگران
۲۳۵	رنج نامه	۱۹۵	به یاد ناصر خسرو (شاعر آزاده)
۲۳۷	سنگ صبور	۱۹۶	شهریار
۲۳۹	بخش چهارم اشعار مذهبی	۱۹۷	ملایر
۲۴۰	مناجات	۱۹۹	ای مهربانانم بیا
۲۴۱	علی (ع)	۲۰۰	سوغاتی
۲۴۴	مرثیه دوزاده بند	۲۰۲	تخت جمشید
۲۵۲	یا حسین (ع)	۲۰۴	شهر مراد
۲۵۳	ساغر حسین	۲۰۵	اداری
۲۵۵	نخل های تشنه	۲۰۵	ننگ می باشد
۲۵۶	سقای باوفا	۲۰۷	ویرانه بم
۲۵۹	بدعت در محرم	۲۰۸	زلزله بم
۲۶۱	عید سربداران	۲۰۹	اوضاع جهان
۲۶۲	هفت سین کریلا	۲۱۲	عجب صبری خدا دارد
		۲۱۷	خشم دریا

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۲۶۳	آبروی مایی
۲۶۵	ماه پنهان
۲۶۶	بیا
۲۶۷	جام بلا
۲۶۸	چه ها دیدم
۲۷۰	اربعین
۲۷۲	شیعه وعاشورا
۲۷۴	بهر سفر آماده شو
۲۷۵	اوج عزّت
۲۷۷	بستان نبوت
۲۷۹	پرده پایان
۲۸۰	رأس ارباب
۲۸۲	کاش
۲۸۳	دشت بلا
۲۸۵	سالار زینب
	بخش پنجم
۲۸۷	رباعیات ، دویستی و تک
	یتی ها
۳۳۶	ایران من

مقدمه مؤلف

بنام آرامش دهنده قلبها

به نام او که آفریننده مخلوقات است و هستی بخش موجودات و بزرگان چه خوب گفته اند: «اگر همه اشجار قلم گردند و آب دریاها جوهر و برگ درختان گیاهان کاغذ، و همه انسانها و فرشتگان بنویسند و بنگارند، از مدح و وصف او عاجزند و ناتوان». سرفصل شعر و ادب نیز خود بطور مستقیم و غیر مستقیم مدح خداوند و توصیف مخلوقات اوست. که خداوند سرچشمه خوبی ها و پاکی ها و زیبایی هاست و بیشتر شاعران که از بهار، گل و اشجار، شمع و پروانه، رخ دلب و زلف یار، قد سرو، ابروی کمان، نسیم سحر، صدای آبشار، ماه آسمان، طبیعت، ستارگان، کوه و دریا و... سخن گفته اند در واقع توصیف جمال او را کرده اند که همه از اوست و تبلیغ نعمت های او. به نظر این حقیر در کنار این زیبایی ها و خوبی ها در مواقع لزوم باید زشتی ها و بدی ها را نیز به تصویر کشید زیرا هم واقعیات زندگی است و هم با شرح تلخی ها زشتیهاست که ارزش شیرینی ها و خوبی ها بهتر شناخته می شود.

دنیای شعر و ادب، اقیانوسی بیکران است که هر علاقه مندی، به اندازه رفع عطش خویش، قطره یا قطره هایی از آن برمی دارد. که آن هم بیشتر به ذوق خدادادی درون او بستگی دارد. بهتر بگویم، از شاعران صدر نشین همچون حضرت حافظ، مولانا، سعدی، فردوسی و ... گرفته تا شعرای بسیاری از گذشته تا کنون هر کدام به قدر توان خویش گوشه ای برداشته اند که الحق تعدادشان بسیار است و هر کدام در آسمان شعر و ادب ستاره ای درخشانند و حرفهایی برای گفتن داشته و دارند و آیندگان هم خواهند گفت و خواهند نوشت حتی شاید بهتر از گذشته.

و اما این حقیر هر چند خود را قابل ندانسته ولی از آنجا که دفتر شرم شوری است نهفته در سروسوزی است برخاسته از درون و عشقی است افروخته در دل و بغضی است شکسته در گلو، به دوستداران شعروادب تقدیم می نمایم که شاید حرف دل آنها هم باشد. البته این هم از الطاف خداوند است که همه از اوست و من هیچ ندارم. چرا که حقیر ادعایی بر شاعری نداشته و ندارم و به خاطر شهرت، یابانه و نوا رسیدن شعر نگفته و نمی گویم و با تملق گویی مخالفم. اگر افراد خاصی را مدح نموده ام دلیل محکم دارم. ضمناً بعضی از سروده های این حقیر مربوط به دوران تحصیل از سوم راهنمایی به بعد است (۱۳۵۴ به بعد) که زمان ناپختگی و نوجوانی و اوایل سرودن اشعار بوده که نمی تواند خالی از نقص و ایراد باشد چون به اقتضای سن و سال و محیط آن زمان بوده است. امیدوارم که خوانندگان محترم از عیوب و نواقص چشم پوشی بنمایند و بنده را در رفع اشکال ارشاد و یاری بفرمایند و چنانچه در بعضی غزلیات عاشقانه و بعضی دوبیتی یا تک بیتی ها سخن از می و شراب و کنایات و اشارات مختلفه عاشقانه آمده است بدانید منظور حقیر هرگز تبلیغ بی بندوباری نبوده و نیست.

شعر من با رُفقا دردِ دلی مختصر است
خواندنش گرندهد سود ولی بی ضرر است
جوهری را که تو بینی چکد از نوکِ قلم
ز اشک چشم من و سوزِ دل و خونِ جگر است

مِنْ اللَّهِ التَّوْفِيقُ

غلامعباس اکبری - شهریور ۸۵ - ملایر